

زنان افغانستان در صف نخست مبارزه علیه طالبان

خورشید اطلس

از روز پنجشنبه (۱۱ سنبله) تا کنون زنان افغانستان مبارزه علیه طالبان را رهبری کردند. این زنان مبارز، اعتراضات خود را از شهر هرات آغاز کرده و تا کنون در ولایات کابل، بلخ، نیمروز و غور چندین تجمعات اعتراضی در مقابل جنگویان تا دندان مسلح طالبان برگزار کرده‌اند.

روز پنجشنبه در آغاز این سلسله از اعتراضات، یک زن هراتی خواست زنان معترض را این گونه بیان کرد: «محروریت آموزشی، اقتصادی و سیاسی زنان نماد استبداد و خشونت است. ما نظامی را که ما را حذف می‌کند و حقوق ما را نادیده می‌گیرد، نمی‌توانیم پذیریم. حفظ حقوق زنان، خواست ماست.»

با وجود این که طالبان اعتراضات زنان را با خشونت پاسخ گفته و خبرنگارانی را که این اعتراضات را پوشش می‌دهند، را نیز لت و کوب کردند، اما زنان همچنان شجاعانه به خیابان می‌آیند.

امروز در حالی که طالبان اعضای کابینه‌شان را در کابل اعلام می‌کردند، زنان و مردان در کابل، هرات و غور دست به اعتراضات گسترده زده و شعار آزادی سر دادند.

در کابل که این اعتراضات به رهبری زنان از چندین منطقه شروع شده، زنان و مردان با شعارهای «آزادی»، «زنده باد مردم افغانستان»، «مرگ بر طالبان» و «مرگ بر پاکستان» به خیابان آمده، اما با سرکوب شدید طالبان روبرو شدند.

جنگویان طالبان تظاهرات کنندگان را با میله‌های فلزی لتوکوب کرده و با فیر هوایی در تلاش پراکنده کردن آن‌ها بودند. طالبان همچنین خبرنگاران را لت و کوب کرده، کمره تعدادی از آن‌ها را گرفته و حداقل ۱۴ نفر از کارمندان رسانه‌ای را دستگیر کردند.

طالبان همچنین یک گروه از زنان معترض را در زیرزمینی یک بانک خصوصی برای تقریباً یک ساعت توقیف کردند. عصر امروز، زنان و مردان در هرات دوباره به خیابان آمدند تا انزجارشان را از حکومت طالبانی نشان دهند. اما طالبان بر تجمع اعتراضی مردم در هرات آتش گشود که در نتیجه تا کنون دو نفر کشته و ۴ نفر زخمی شده‌اند.

زنان در ولایت غور نیز برای حفظ حقوق‌شان و آزادی در همصدایی با زنان سایر ولایات افغانستان به خیابان آمدند. در حالی که طالبان امروز حکومت تک جنسیتی و تک قومیتی را که فقط شامل ملا و مولوی‌های مرتجع و ضد زن می‌شود، اعلام کردند، مردم افغانستان و به‌خصوص زنان مصمم‌تر از قبل برای حفظ حقوق و آزادی‌شان به خیابان آمدند و ضدیت‌شان با این نظام را به نمایش گذاشتند.

چرا زنان پیشرو مبارزه علیه طالبان می‌باشند؟

ایدلوژی و عملکرد طالبان در تضاد با خواسته‌های انسانی زنان قرار دارد. این گروه بنیادگرا با تکیه بر قرائت مذهبی معتقد است که آله تناسلی تعیین کننده سرنوشت بشریت است. مطابق به این باور، هر انسانی که زن به دنیا می‌آید، محکوم به زندگی در چهاردیواری خانه و تولید مثل است و هر انسانی که مرد به دنیا می‌آید، ذاتاً بر نیمی از بشریت برتری داشته و حق کنترل بر زندگی آنان را دارد.

از سقوط رژیم دست‌نشانده و قدرت‌گیری دوباره طالبان، نیمی از نفوس جامعه افغانستان به جرم زن بودن، هویت‌شان را از دست داده و خانه‌نشین شده‌اند. حتی در مواردی، طالبان به زنان کارمند دستور داده‌اند که اعضای خانواده مردشان را به جای خودشان بفرستند — مهم نیست که این زنان چقدر تخصص و تجربه برای انجام کار دارند، صرف زن بودن، تمام دستاوردها و زحمات آنان را به نیستی کشانده است.

ذبیح الله مجاهد در نشست‌های در کابل گفته بود که زنان فعلا به سر کار باز نگردند، چون جنگجویان طالبان نمی‌دانند با زنان چگونه رفتار کنند! این جمله‌ی ذبیح الله مجاهد پیام زیادی برای جامعه افغانستان، به خصوص زنان دارد: ما با مردانی مواجه هستیم که به غیر از مادرانشان (آنهم زمانی که طفل بودند) زنانی دیگری را ندیده‌اند. جامعه افغانستان اکنون توسط گروه سیاسی اداره می‌شود که حضور و فعالیت زنان را حرام، غیرعادی و خطرناک می‌بینند. گفته می‌شود، اکنون ۷۵ هزار مردی که در زندگی‌شان زن ندیده‌اند، تمام ابعاد جامعه سی و پنج میلیون نفوس افغانستان را اداره می‌کنند. بدون شک، در زیر سایه مردانی که انسانیت را صرف به قامت مردان می‌سنجند، زنان هدف سرکوب و حذف هستند و چاره‌ای جز مبارزه ندارند.

اکثر زنانی که در افغانستان نقش فعال اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشتند، اکنون جایگاه‌شان را از دست داده‌اند. طالبان عملا زنان را به زنجیر کشیده و از آنان ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، از جمله آزادی پوشش و ادامه‌ی تحصیل را گرفته‌اند.

تعدادی از این زنان موفق شدند با خارج شدن از کشور جان‌شان را نجات دهند، اما اکثریت این زنان هنوز در افغانستان حضور دارند، هر چند در کنج خانه، شوکه، نگران و مضطرب. این زنان چیز زیادی برای از دست دادن ندارند و نیرویی هستند که پیش‌آهنگ انقلاب برابری خواهانه علیه شونیزم مردسالار، مذهبی طالبان شده‌اند و می‌روند که با حضورشان در خیابان، مرگ این نظام بنیادگرا را فریاد کنند. از طرفی دیگر، طالبان نه مشروعیت سیاسی و نه توانایی رهبری افغانستان را که بیش از ۶۰ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دهند، ندارد. طالبان یک نیروی عقب‌گرا و افراطی‌ای است که با هر پدیده‌ای پیشرو و مترقی، از جمله کار و آموزش زنان، هنر و موسیقی مخالف‌اند و برای ثبوت این جهالت و حماقت از رفتن به هیچ‌انتهایی دریغ نمی‌کنند. آیا چنین گروهی، جدا از این که چگونه با عوام‌فریبی مشروعیت بیرونی کسب می‌کند، نباید آینده و سرنوشت بیش از ۳۵ میلیون نفر را تعیین کنند؟